

متن و ترجمہ

لُبَّابُ الْإِشَارَاتِ وَالتَّنْبِيهَاتِ

شیخ رئیس ابوعلی سینا

نظم و تصانیف

خالد بن رازی

ترجمہ

عبدالجید علی محمدی



انشارات مولیٰ

شابک: 978-600-339-054-6

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۱۶۹۰

عنوان و نام پدیدآور: متن و ترجمه باب الاشارات والتنبیها، شیخ الریسی ابوعلی سید، ترجمه و متن باب الاشارات والتنبیها

قسمت های دهگانه: فخرالدین رازی، مترجم عبدالمجید علی محمدی.

مشخصات نشر: تهران، مولی، ۱۴۳۸ ق. - ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: بیست و شش، ۲۶۸ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۱۶ سم.

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: کتاب حاضر شرحی بر کتاب الاشارات والتنبیها* تألیف ابن سینا است.

یادداشت: کتابخانه به صورت زیرنویس

عنوان فرارادادی: الاشارات والتنبیها، فارسی - عربی، برگزیده شرح

موضوع: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۲۷۰ - ۳۲۸ ق. الاشارات والتنبیها - متن و تفسیر.

موضوع: فلسفه اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۲

موضوع: Islamic philosophy -- Early works to 20th century

رده بندی دیویی: ۱۸۷/۱

رده بندی کنگره: BBR۲۱۵/۳۴م ۱۳۹۵

سروشنامه: فخر رازی، محمد بن محمد، ۱۵۲۴-۱۰۶۰ ق.

شناسه افزوده: علی محمدی، عبدالمجید، مترجم

شناسه افزوده: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۲۷۰ - ۳۲۸ ق. الاشارات والتنبیها، برگزیده شرح

وضعیت فهرست نویسی: فیا

انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب - چهارراه اوریحان - شماره ۱۵۸، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۰۳۴۱ - ۶۶۴۰۰۰۷۶ - نمابر: ۶۶۴۰۰۰۷۶

www.molapub.com • molapub@yahoo.com • Instagram: molapub

باب الاشارات والتنبیها، نمط های ده گانه • شیخ الریسی ابوعلی سید

فخرالدین رازی • ترجمه: عبدالمجید علی محمدی

چاپ اول: ۱۳۹۵ = ۱۴۳۸ • ۷۲۰ نسخه • ۲۶۳/۱
۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۰۵۴۶-۶ ISBN: 978-600-339-054-6

خوشنویسی: استاد حمید عجمی

حروف نگاری: دریچه کتاب • لیتوگرافی و چاپ: ایران مصور • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



انتشارات مولی
۳۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
مقدمه مترجم	سیزده
شرح حال فخرالدین رازی/ انگیزه فخررازی از نگارش کتب فلسفی/ شرح حال شیخ الرئیس ابن سینا/ ابن سینا و کتاب اشارات و تنبیهات/ فخررازی و کتاب اشارات و تنبیهات/ اشارات و تنبیهات: فخررازی و خواجه نصیرالدین طوسی/ ارزشی از کار فخررازی در باب الاشارات والتنبیهات/ شیوه کار مترجم	

۱. طبیعیات

نمط اول: تجوهر اجسام (گر حر و حقیقت جسم)	۳
مسئله اول: نفی جزء لایتناهی/ اجسام پیوسته هستند نه گسسته/ تقسیم و همی، بی نهایت است/ حرکت و زمان قابل تقسیم هستند/ مسأله دوم: اثبات هیولی/ هیولی اندازه های گوناگون از اجسام را می پذیرد/ مسأله سوم: محال و ممتنع است که جرم از هیولی خالی و بی نیاز باشد/ تناهی ابعاد/ عدم انفکاک صوره جسمیه از شکل/ بررسی چهار فرض مذکور/ اشکال به ابطال فرض اول؛ که نفس جسمیت علت شکل باشد/ اشکال دوم بر نیاز جسمیت به اصل/ مسأله چهارم: نسبت هیولی به صورت؛ محال است هیولی از صورت جسمیه خالی باشد/ مسأله پنجم: هیولی همراه صورت جسمیه و صورت های دیگر است/ اثبات صورت نوعیه/ مسأله ششم: هیولی و صورت/ ابطال علت تامه بودن صورت برای هیولی/ ابطال علت بودن هیولی برای صورت به دو دلیل/ ابطال علت بودن هر یک از هیولی و صورت برای یکدیگر/ ابطال علت نبودن هیچ یک از هیولی و صورت برای دیگری/ نسبت هیولی و صورت/ مسأله هفتم: صفات اجسام/ سطح، خط، نقطه/ احکام مقدارها/ ترتیب وجودی مقدارها در خارج/ مسأله هشتم: خلأ/ مسأله نهم: جهت/ اشکال: حرکت به سوی کیفیتی که موجود نیست محال است/ تبیین ماهیت جهت	

نمط دوم: جهات و اجسام نخستین و دومین جهات	۳۳
بخش اول: فلکیات (افلاک)	
مسئله اول: اثبات فلک/ مسأله دوم: صفات فلک/ مسأله سوم: احکام کلی اجسام/	

مسأله چهارم: احکام میل / مسأله پنجم: بیان بقیه صفات فلک / بخش دوم: عنصریات (اجسام عنصری) / مسأله اول: نیروی اجسام عنصری / مسأله دوم: صفات عناصر (خاک، آب، هوا، آتش) / علت نظام طولی عناصر / اثبات کون و فساد در عناصر / عناصر اربعه ریشه کون و فساد هستند / کیفیت تولد مرکبات از این عناصر چهارگانه / کیفیت تولد صورت‌های محسوس از عناصر چهارگانه / دلایل منکرین استحاله / نظر فخر رازی در اثبات مزاج / آتش محض، رنگ ندارد / مسأله سوم: بیان حکمت خداوند در خلق عناصر

۶۲

نمط سوم: نفس ارضی و سماوی

شش: بحث از ماهیت جوهر نفس

مسأله اول: نفس همان بدن نیست / مسأله دوم: حرکت و درک انسان به واسطه جسم و مزاج نیست بلکه با نفس است / مسأله سوم: وحدت نفس و کیفیت تأثیرپذیری نفس از بدن و بدن از نفس

بخش دوم: چیرگی / تعلق به قوه ادراکی نفس دارد

مسأله اول: ماهیت ادراک / مسأله دوم: بیان اقسام ادراک: حسی، خیالی، عقلی / مسأله سوم: حواس باطنی / اثبات حس مشترک و رد آن توسط فخر رازی / اشکال‌های فخر رازی بر دلیل اول فلاسفه / اثبات قوه متوهمه و رد آن توسط فخر رازی / اثبات قوه مفکره و رد آن توسط فخر رازی / سخن نهایی فخر رازی: مدرک همه مدعیان نفس است / استدلال فلاسفه بر قوای باطنی به واسطه شواهد پزشکی / مسأله چهارم: قوای نفس انسان / رق بین فکر و حدس و تعریف آن دو / مسأله پنجم: اثبات قوه قدسیه / مسأله ششم: اثبات عزت نفس در بیان کیفیت افاضه معقولات / چگونگی اتصال به عقل فعال / مسأله هفتم: نفس انسانی جسمانی نیست / مسأله هشتم: هر مجردی، عقل و عاقل و معقول است / اشکال اول: مقارنت، تعقل نیست / اشکال دوم: وجود خارجی معقول، مانع از مقارنت در ذهن است /

بخش سوم: بحث از احکام قوای محرکه انسان

مسأله اول: اقسام قوای نباتی / مسأله دوم: مراتب حرکات اختیاری و مبادی آن / مسأله سوم: حرکات افلاک، نفسانی ارادی است / نفس فلک، دارای اراده کلی است / نفس فلک، دارای اراده جزئی است / نظر فخر رازی / مسأله چهارم: فاعل بالاراده، کاری را اراده نمی‌کند مگر علم یا ظن یا اعتقاد به سزاوار بودن آن داشته باشد /

۲. فلسفه

۹۷

نمط چهارم: وجود و علل آن

مسأله اول: موجود، منحصر در محسوس نیست / علت حقه همه حقائق، به مجرد سزاوارتر است / **مسأله دوم:** تبیین مغایرت ماهیت با وجود / **مسأله سوم:** تبیین علت های چهارگانه / نظریه فخر رازی در مورد علت غائی / **مسأله چهارم:** احکام حلال چهارگانه / اشکال به قول مشهور / **مسأله پنجم:** تقسیم موجود به واجب لذاته و ممکن لذاته / اشکال استاد ممکن به مؤثر محال است به چهار دلیل / جواب از چهار دلیل مذکور بر عدم استاد ممکن به مؤثر / **مسأله ششم:** اثبات واجب الوجود / اموری که دلالت بر سلبی بودن مفهوم وجوب دارند / دلالتی که دلالت دارند بر امتناع امر ثبوتی بودن تعین / رد دو فرض مذکور و اثبات ثبوتی بودن مفهوم وجوب / پاسخ به اشکالات مذکور / **مسأله هفتم:** صفات واجب الوجود / اموری که بر صفت فرد بودن متفرع می شوند / **مسأله هشتم:** صفات جوهر و بحث های آن / صفت قادر / صفت مرید بودن / صفت علم / تعقل کلیات توسط خداوند / **مسأله نهم:** برهان صدیقین

نمط پنجم: صنایع و ابداء
مسأله اول: عالم از مؤثر امکان است نه حدوث / دلایل قائلین به قدم عالم / **مسأله دوم:** هر حادثی مسبوق به سببی است که ابتداء ندارد (زمان ازلی) / استدلال بر وجود زمان / اثبات زمان ازلی و حرکت ازلی / **مسأله سوم:** هر محدثی قبل از حدوثش، مسبوق به ماده ممکنه است / اشکال فخر رازی بر این سینا / **مسأله چهارم:** ازلی به دن مؤثریت واجب تعالی / تبیین ازلی بودن مؤثریت واجب الوجود / دوام فیض از انبیا / **مسأله پنجم:** مؤثر و اثر / **مسأله ششم:** پندارها و هشدارها / گونه اول: بیان حدوث عالم / گونه دوم: بیان آغاز و ابتداء داشتن حرکات / جواب های قائلین به قدم عالم از این دلیل ها / **مسأله ششم:** از واحد غیر زمان صادر نمی شود / **مسأله هفتم:** تبیین حدوث ذاتی عالم

نمط ششم: غایات و مبادی آنها
بخش اول: غایات

مسأله اول: نفی غایت از فعل خداوند متعال / حسن فعل نمی تواند به سبب غایی باشد / راه حل نهایی: خداوند فاعل بالعنایه است / **مسأله دوم:** غایت حرکات سماوی / غایت حرکات های افلاک، تشبه به عقول است / سخن فخر رازی

بخش دوم: عقول

مسأله اول: راه اول برای اثبات عقول: کثرت عقول / نظر فخر رازی / سخن فخر رازی در مورد تشبه نفس فلکی به عقول / نصیحت حکیمانه / **مسأله دوم:** راه دوم برای اثبات عقول: حرکت های افلاک بی نهایت اند / نیرو جسمانی نمی تواند مبدأ حرکات های بی نهایت شود / نظریه فخر رازی / اشکالات فخر رازی به ابن سینا / مناقشه فخر رازی با ابن سینا و رفع یک تناقض / بطلان نظریه

متحرک بالعرض بودن، محرک های افلاک / مسأله سوم: راه سوم برای اثبات عقول / معلول اول، عقل محض است / هر جسم کروی که به دور خود می چرخد، ویژگی خاصی دارد که مبدأ حرکتش شده است / مسأله چهارم: راه چهارم برای اثبات عقول / هیچ یک از کرات سماوی علت برای دیگری نیست / اشکال و جواب / هیچ یک اجسام علت برای جسم دیگر نیست / بخش سوم: ترتیب نظام هستی / مسأله اول: بیان مراتب وجود / مسأله دوم: تبیین نظام طولی عالم / مسأله سوم: دلایل فخر رازی در رد قاعده الواحد / مسأله چهارم: بیان کیفیت وجود عناصر / اشکال فخر رازی به ترتیب مذکور در عالم عنصری

۱۹۲

نمط هفتم: تخرید

بخش اول: نفس

مسأله اول: نفس غیر ابدی است / دلیل اول تجرد نفس ناطقه / دلیل دوم بر تجرد نفس ناطقه / دلیل سوم بر تجرد نفس ناطقه / دلیل چهارم بر تجرد نفس ناطقه / مسأله دوم: بقاء نفس بعد از مرگ بدن / مسأله سوم: دلایل اثبات نفس ناطقه با معقول خود و تبیین نظریه ارتسام صورت های عقلی

بخش دوم: علم

مسأله اول: تقسیم معقولات به دانش و اعمال / مسأله دوم: احاطه علمی واجب الوجود به جمیع موجودات / مسأله سوم: مراتب ادراک / مسأله چهارم: علم حق تعالی به جزئیات به نحو کلی است / تغییر علم با تغییر معلوم / مسأله پنجم: علم عنایت بخش سوم: کیفیت دخول شر در قضای الهی

درجات و مراتب نفوس / ۵-۲. عدم جواز رها کردن خیر و شر به ارا بودن اندکی شر / قضا و قدر و مسأله کیفر / نظر فخر رازی در مورد قدر

۳. عرفان

۲۱۲

نمط هشتم: بهجت و سعادت

مسأله اول: لذت های باطنی قوی تر و شریف تر از لذت های حسی و ظاهری / مسأله دوم: تعریف لذت و رنج / نسبی بودن خیر و شر / اشکال به تعریف لذت و پاسخ به آن / تعریف لذت به گونه ای که نقضی بر آن وارد نشود / مسأله سوم: اثبات لذت عقلیه و اشرف بودن لذت عقلیه از لذت حسیه / اشکال به حصول لذت عقلیه و پاسخ از آن / بیان نظریه فخر رازی بر مغایرت لذت و ادراک / مسأله چهارم: نفس بعد از مرگ از ملکات نفسانی رنج می برد / مسأله پنجم: مراتب ارواح / نظریه فخر رازی درباره تکامل برزخی اشقیاء / مراتب ارواح طبق عقل عملی / مسأله ششم: کیفیت ابتهاج و لذت موجودات مجرد

نمط نهم: مقامات عارفان ۲۲۶

نظر فخر رازی در مورد این نمط / مسأله اول: تعریف زاهد، عابد و عارف / مسأله دوم: هدف عارف و غیر عارف از زهد و عبادت / هدف عارف تنها حق تعالی است / مشمول رحمت بودن طالب بهشت (عابد و زاهد) / مسأله سوم: منازل و مراحل سلوک عارفان / مرحله اول: اراده / مرحله دوم: ریاضت / مرحله سوم: وقت / مرحله چهارم: توکل / مرحله پنجم: استیفاء مرحله ششم: انقلاب / مرحله هفتم: تغافل / مرحله هشتم: مشیت / مرحله نهم: تعریج / مرحله دهم: تردد / مرحله یازدهم: وصول / مسأله چهارم: بیان درجات تزکیه / مسأله پنجم: هدف از تحصیل عرفان / مسأله ششم: آسان / حضرت حق، دست یافتنی نیست

نمط دهم: اسرار الآیات ۲۳۷

مسأله اول: اثبات عارف بر ترک طولانی مدت غذا خوردن / مسأله دوم: توانایی عارف بر انجام کارهای دشوار / مسأله سوم: عارف از غیب خبر می‌دهد / مسأله چهارم: سبب خواب دیدن (رویای) / تفاوت شاه / ما در خواب و بیداری / مشاهده عوالم غیبی در بیداری / اثری که از اتصال نفس به عقول مفارق حاصل می‌شود / مختلف است / مسأله پنجم: بعید نیست که عارف در طبایع و عناصر کارهای خارق العاده انجام دهد /

فهارس ۲۵۱

فهرست منابع و مأخذ / فهرست اعلام و اشخاص / فهرست اصطلاحات / فهرست آیات / فهرست احادیث

پیشگفتار

یکی از منابع مهم و با ارزش فلسفه مشاء، کتاب اشارات و تنبیهات شیخ الرئیس ابوعلی سینا است. بسیاری از فلاسفه، بر این کتاب شرح نوشته و بسیاری دیگر، استفاده‌های علمی کرده‌اند. یکی از شرح‌های این کتاب، شرح فخر رازی است. فخر رازی، یکی از متکلمین بزرگ اسلام است. وی با این که در فلسفه بسیار قلم‌فرسایی کرده، اما رابطه خوشی با فلسفه ندارد. از این رو در شرح خود بر اشارات و تنبیهات، ایرادها و اشکال‌های فراوانی به آن سائل وارد می‌کند. چنان‌که در کتاب اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین می‌گوید: «خداوند به من رفیق داد کتاب‌هایی که دربردارنده ردّ فلاسفه است را بنویسم هم چون کتاب نه‌ایه‌العقول و مباحث مشرقیه و شرح اشارات و تنبیهات^۱». رویکرد فخر رازی در تمامی آثارش اعم از فلسفی، کلامی و تفسیری، یک رویکرد کلام اشعری است و نظرات کلامی وی در همه آثارش، روشنی نمایان است.

فخر رازی، به اهمیت کتاب اشارات و تنبیهات، اذعان داشته است؛ از این رو در مورد این کتاب دو گونه کار کرده، اول آن که این کتاب را شرح داده است؛ دوم آن که این کتاب را تلخیص نموده و چکیده‌ای از آن ارائه کرده است. هرچنان‌که او در مقدمه خود بر کتاب لباب الاشارات و التنبیهات می‌گوید: من فقط چکیده اشارات و تنبیهات ابن سینا را ارائه می‌دهم و کاری به صحیح و فاسد آن ندارم، اما از آن روی که فخر رازی چنین روحیه‌ای ندارد در همه نطم‌های ده گانه بر کلام شیخ، ایراد گرفته و در بسیاری موارد، نظرات شخصی خویش را بیان نموده است. این اظهار نظرها، دو گونه است: در برخی موارد، با عبارت‌هایی هم چون «أنا أقول»، نظر خویش را بیان می‌دارد که در این

۱. فخر رازی، اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین، تقدیم و تصحیح و تعلیق: محمد زینهم، قاهره: مکتبة مدبولی، چاپ اول (۱۴۱۳) ص ۱۱۱.

موارد جداسازی نظر فخر رازی از نظر ابن سینا برای همه میسر است. اما در برخی موارد، فخر رازی نظر خویش را در قالب اشاره و تنبیه بیان می‌دارد؛ در این موارد جداسازی نظر فخر رازی از نظر ابن سینا تنها بر خواننده زیرک و دارای شامه قوی فلسفی امکان‌پذیر است. جداسازی نظرات فخر رازی از نظرات ابن سینا در اثر حاضر انجام شده است.

با توجه به این که کتاب لباب الاشارات و التنبیهات، خلاصه و چکیده کتاب گران سنگ اشارات و تنبیهات ابن سینا است، می‌توان با مطالعه لباب الاشارات و التنبیهات، یک دوره فلسفه مشاء، از طبیعیات گرفته تا فلسفه و عرفان را با تکیه بر دیدگاه‌های فلسفی و کلامی فخر رازی مطالعه نمود. ولی با کمال تأسف، این کتاب در پرتو شرح‌های گوناگونی که بر اشارات و تنبیهات نوشته شده، به ویژه شرح فخر رازی و نیز در اثر گذر زمان، مورد غفلت قرار گرفته است. این در حالی است که کتاب لباب الاشارات و التنبیهات، تنها اثری است که به طور خلاصه اما کامل، یک دوره فلسفه مشاء را در خود جای داده است. بنابراین این کتاب به دلیل خلاصه بودن، روان بودن و جامع بودن؛ هم از اشارات و تنبیهات و هم از شرح اشارات و تنبیهات، دانش‌پژوهان فلسفه را بهتر است.

شاید برای بسیاری، خواندن اشارات و تنبیهات آن هم با شرح‌های مفصل و پیر از اشکال و جواب که توسط فخر رازی، خواجه نصرالدین طوسی و قطب‌الدین رازی نگاشته شده، میسر نباشد، اما لباب الاشارات و التنبیهات، با ترجمه به قلم روان فخر رازی و اختصارگویی او، می‌تواند قابل فهم و مطالعه برای دوست‌داران و طالبان فلسفه باشد. از این رو بر خود لازم دیدم تا با ارائه ترجمه‌ای روان و علمی گریا، به احیاء این کتاب ارزشمند همت گمارم، باشد که مورد پسند حق تعالی واقع گردد.

در این مقال از استاد خویش حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد عابدی و دیگر اساتید دانشگاه قم کمال تشکر را دارم که در نگارش این اثر مرا یاری نموده‌اند.

مقدمه ترجمه

مکتب فلسفی مشاء توسط ارسطو پایه گذاری شد، اما در بقاء خویش، وامدار شیخ الرئيس ابن علی نبینا است. آثار شیخ، همگی گران قدر و پیر ارج هستند، اما در میان همه این آثار، شیخ الایم عذایت ویژه‌ای به کتاب اشارات و تنبیهات دارد. چنان که هم در آغاز و هم در پایان کتاب، به حفظ و صیانت از اسرار این کتاب، وصیت می‌کند.

در قرن ششم هجری، متکلم می‌بردست از تبار اشاعره، به اهمیت این کتاب پی می‌برد. او کسی نیست جز رشاد ابن محمد رازی، ملقب به امام المشککین. وی ابتداء کتاب اشارات و تنبیهات را شرح می‌نویسد. شرحی سراسر پر از اشکال و ایراد بر مبانی و نظرات ابن سینا و دیگر بار به تلخیص این کتاب می‌پردازد؛ تا به دور از همه آن اشکال و جواب‌ها، بتواند اشارات و تنبیهات را در عبارات ساده‌ای چکیده و روان، در اختیار دوست‌داران فلسفه قرار دهد. اما مطلبی که خواننده دقیق و زیرک متوجه می‌شود آن است که فخر رازی تنها در پی خلاصه کردن یا روان‌سازن عبارات ابن سینا نبوده، هر چند که این هم بخشی از کار وی در این کتاب است؛ اما در واقع از مفاهیم و محتوای اشارات و تنبیهات ابن سینا را در اسلوب مورد پسند خویش، البته با حذف و تنظیم منطقی ابن سینا در ارائه مطالب، به رشته تحریر در آورده است. او در بیان مطالب پای‌بند به عین عبارت‌های ابن سینا نیست و به شرح خود بر اشارات و تنبیهات بسیار نظر دارد. آنچه باعث تأسف است، غفلت اهل فن از این کتاب پر ارزش است. طبق تحقیقات به عمل آمده، تاکنون هیچ ترجمه و تحلیلی از این کتاب صورت نگرفته و نوشتار پیش رو، نخستین کاری است که در مورد لباب الاشارات و التنبیهات انجام شده است.

شرح حال فخرالدین رازی

ابوعبدالله محمد بن عمر بن حسین تیمی بکری قرشی طبرستانی رازی، یکی از چهره‌هایی است که نمی‌توان او را در تاریخ علوم معقول نادیده گرفت. القابی همچون: فخرالدین، ابن الخطیب، ابوالمعالی و شیخ الاسلام او را در زمان حیات معرفی می‌کردند و القابی چون فاضل علامه و امام المشککین^۱ در سده‌های بعدی به نام پیشین وی افزوده شدند. «امام» مشهورترین نامی که امروز بدان میان ما معروف است، فخر رازی و یا با اکرام و احترامی بیشتر امام فخر رازی است.

در سنی از علمای اهل سنت او را مجددی دانسته‌اند که در ابتدای هر قرن می‌آید و دین از وره را جانم تازه می‌بخشد تا دین اسلام پس از خاتمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از گزند در امان بماند.^۲

فخر رازی در ۲۰ ربیع الثانی سال ۵۴۲ یا ۵۴۴^۳ هـ ق و یا به قولی ۵۴۳^۴ هـ ق و یا ۵۳۴^۵ در شهر ری دیده به جهان گشود و در روز عید فطر سال ۶۰۶ هـ ق در هرات دیده از جهان فرو بست. ریشه دینی او طبرستان (مازندران کنونی) بازمی‌گردد، اما چنان‌که از گزارش‌های موجود برمی‌آید وی در آن دیار زیست نکرده است. آموختن را از محضر پدرش ابوالقاسم ضیاءالدین عمر بن حسین آموخت. پس از مرگ اولین استادش که فخر رازی از او به «الامام السعید» یاد می‌کرد به شاگرد کمال‌الدین سمنانی، احتمالاً در نیشابور پرداخت و مدتی بعد در بازگشت به زادگاه با یکی از تأثیرگذارترین اساتید خویش پیوند یافت؛ پیوندی که فخر را همراه استادش به جایی جلیلی (گیلانی) از ری راهی مراغه کرد. این همراهی نتیجه دیگری هم داشت و آن هم درس شدن با شهاب‌الدین یحیی بن حبش سهروردی یا همان شیخ اشراق بود. خط اشراقی و نه و نگرش نوین در الهیات و در عین حال هم‌سویی توأم با نوآوری با گذشتگانی چون ابوعلی سینا،

۱. فخر رازی، المنطق الملخص، مقدمه، تصحیح و تعلیق: فرامرز قراملکی، احد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۳۴.

۲. فخر رازی، لباب الاشارات و التنبیها، مقدمه و تحقیق از دکتر احمد حجازی السقاء، قاهره: مکتبة الکلیات الازهریة، چاپ اول، ۱۹۸۶م، ص ۳، به نقل از لسان المیزان ابن حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۴۲۸.

۳. فخر رازی، المنطق الملخص، ص ۲۴.

۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۴ (خدمات متقابل ایران و اسلام)، قم: صدرا ص ۳-۴۹۴.

شاید یکی از همین تأثیرهایی است که دو شاگرد نامدار در جهان اسلام، از استاد گمنام خود آموخته‌اند.

برای فخر رازی، تحصیل در مرنه نیز گزارش شده است. در تبریز نیز در مدرسه محله گجیل^۱ یا مدرسه گاوی بازار^۲ با تنگ دستی روزگار گذرانیده است. پس از تحصیل نیز به دور و نزدیک جهان اسلام از سمرقند و بخارا گرفته تا فیروزکوه و هرات سفر کرده و به تدریس و خطابه و بحث و مناظره پرداخته است. وی را فقیه، متکلم، مفسر، فیلوف، پزشک و خطیب خوانده‌اند.^۳ او هم چنین نوشته‌هایی در اصول فقه، علم حلیت، تاریخ فرق دارد.^۴

در بررسی شخصیت علمی فخر رازی، این گونه می‌بایم که او در تمامی آثارش، بر مدار کلام اشعری بن می‌گوید. فلسفه‌ای که او در آثارش عرضه داشته، فلسفه‌ای از نوع خاص و به نسبت متأثر از آراء کلامی است که در آن اصول و براهین فلسفی تا آن جا مورد قبول و اعتبار است، که با بنیاد کلامی در تعارض نباشد؛ و آلا هر جا میان قواعد فلسفی با مبانی کلام اشعری تعارض روی دهد، او جانب متکلمان را می‌گیرد و آراء فلاسفه را تخطئه می‌کند. او در آثارش مسائلی را در مسائل مهمی از قبیل: اثبات هیولی، اثبات صور نوعیه؛ امتناع اجتماع فعل و قوا، رشیء بسیط؛ عینیت وجود و ماهیت در واجب؛ مسبقیت حادث به ماده؛ قاعد «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» و امتناع صدور کثیر از واحد و امثال این‌ها، به سبب جانب داری از آراء متکلمان اشعری به ابطال اصول مورد اتفاق فلاسفه می‌پردازد.

انگیزه فخر رازی از نگارش کتب فلسفی

کلام اشعری که توسط بنیانگذار آن، ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری (متوفای ۳۲۴ ه. ق.) به عنوان واکنشی بر علیه مکتب عقل‌گرای معتزله آغاز گردید، در آغاز کار خود برای آن که پای‌بندی خود را در مسائل اعتقادی به سنت و شریعت اثبات کند و

۱. فخر رازی، المنطق المُلخَص، ص ۲۵.

۲. صدرایی خویی، علی، سفرنامه و سرانجام نامه فخر رازی، پیام بهارستان، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۸.

۳. مرتضی مطهری، همان، ص ۷۵۳.

۴. فخر رازی، المنطق المُلخَص، ص ۲۷.

مطابق با ظاهر آیات و اخبار سخن بگوید، از به کار بردن مفاهیم و براهین منطقی و فلسفی پرهیز کرد. اما متکلمان اشعری در دوره‌های بعد به زودی دریافتند که برای دفاع از عقاید خود، چاره‌ای جز تمسک به دلایل عقلی محکم ندارند و با سخنان عامیانه برای همیشه نمی‌توان در برابر مخالفانی که به سلاح منطق و فلسفه مجهزند، مقاومت کرد. بنابراین به فکر افتادند تا علم کلام را به دلایل عقلی محکم مجهز سازند. این کار با قاضی ابوبکر باقلانی (متوفای ۴۰۳ ه. ق.) شروع شد و او به قول ابن خلدون «به وضع مقدماتی عقلی پرداخت که ادله و افکار و نظریات بر آنها متوقف می‌گردید، از قبیل: اثبات جبر و خلاء و این که عرض قائم به عرض نیست و در دو زمان باقی نمی‌ماند و امثال این‌ها از مسائلی که ادله ایشان بر آنها متوقف بود و این قواعد را از لحاظ وجوب اعتقاد به آنها تابع عقاید الهی قرار داد... آن‌گاه پس از قاضی ابوبکر باقلانی، امام الحرمین ابوالمعالی پدید آمد و همین راه کتاب «شامل» را نوشت و این راه را توسعه داد و به شرح و بسط آن پرداخت. سپس مزبور را در کتاب «ارشاد» تلخیص کرد و مردم آن را به منزله راهنمای عقاید و مسائل و مورد استفاده قرار دادند.

پس از چندی علم منطق، در میان ملت اسلام انتشار یافت و مردم به خواندن آن پرداختند و میان آن و علوم فلسفی تفاهت گذاشتند، بدین سان که منطق، تنها قانون و معیاری برای ادله باشد و هم چنان که مسائل دیگر را با منطق می‌آزمایند؛ ادله را نیز با آن می‌سنجند و از آن پس قواعد مقدماتی فن کلام را که چینیان وضع کرده بودند، مورد نظر و تحقیق قرار دادند و با بسیاری از آن‌ها به وسع و براهینی که آن‌ها را راهنمایی کرده بود، مخالفت کردند و چه بسا که بسیاری از براهین آنان با گرفته از کلام فلسفی در مباحث طبیعیات و الهیات بود... و نخستین کسی که در طریقه کلام بر این منهج و شیوه به تألیف پرداخت غزالی بود و امام ابن الخطیب فخر رازی از او پیروی کرد.^۱

شرح حال شیخ الرئیس ابن سینا

ابوعلی حسین بن عبدالله بن علی بن سینا معروف به ابوعلی سینا یا ابن سینا در سال ۳۷۰ هجری قمری متولد شد و در سال ۴۲۸ ه. ق از دنیا رفت. او در کمتر از شصت سال

۱. عبدالرحمان بن محمد، ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی (۱۳۵۷) ج ۲، ص ۸-۹۴۷.

زندگی با همه گرفتاری‌ها، مشکلات و مشاغل حساس دولتی، توانست در تکوین و تکامل دانش و اندیشه، گام‌های بزرگ و برجسته‌ای بردارد.

وی در حدود دویست کتاب و رساله در علوم و فنون آن روزگار نوشت. همچنین در زمینه فلسفه، رساله‌ها و کتاب‌های متعددی، مانند شفا، نجات، مبدأ و معاد، تعلیقات، دانشنامه علانی و اشارات و تنبیهات از خود به یادگار گذاشت. اگر از پیدایش و سیر فلسفه در جهان اسلام تاریخی تحلیلی در دست بود، نقش ابن سینا بیشتر از آنچه هست، نمایان می‌شد. فلسفه اسلامی اگرچه با کندی (نیمه اول قرن سوم هجری)، فارابی (نیمه اول قرن سوم هجری) و اخوان الصفا (نیمه دوم قرن چهارم هجری) آغاز شده بود، بی‌تردید با نسخ ابن سینا (اوایل قرن پنجم هجری) توسعه، تکامل و نظام و یژه‌ای پیدا کرد. ابن سینا به حق، بزرگ‌ترین نماینده فلسفه مشایی اسلامی است. تحلیل او در حدوث و قدم عالم، ادوات و احسن تعالی، توحید واجب تعالی، علم الهی، جبر و اختیار، نبوت، معاد و ده‌ها مسأله دیگر، از نظر دقت بی‌نظیر است؛ به گونه‌ای که اگر هم اکنون بخواهیم در فلسفه اسلامی کار جدی و دقیق انجام دهیم، باید این کار را از همان‌جا آغاز کنیم که ابن سینا از دست نهاد.^۱

ابن سینا و کتاب اشارات و تنبیهات

یکی از مهم‌ترین منابع مکتب فلسفی مشاء، کتاب اشارات و تنبیهات شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا است. این کتاب برخلاف سایر آثار ابن سینا دارای فصل‌بندی دقیقی است که در بخش منطق ده نهج و در بخش فلسفه ده نمط گنجا ده شده و اشاره، تنبیه، تبصره، وهم، تذنیب و زیاده تبصره از عناوین هر یک از نهج‌ها و نمط‌هاست. با این که ابن سینا جامع بین معقول و منقول است، اما هرگز در بحث‌های عقلی از آیات و روایات استفاده نکرده است. اگر از ابتدای اشارات و تنبیهات تا آخر آن را مطالعه کنیم حتی یک آیه قرآن نمی‌یابیم مگر خاتمه کتاب که می‌گوید: «کفی بالله وکیلا»^۲. این کمال هنرنمایی ابن سینا است که معقول را با منقول خلط نمی‌کند و در بحث عقلی، صرفاً عقلی بحث می‌کند.

۱. یحیی یثربی، فلسفه مشاء، قم: بوستان کتاب (۱۳۸۶) ص ۱۹.

۲. سوره احزاب، آیه ۴۸.

نکته مهم دیگری که در اشارات و تنبیهات خودنمایی می‌کند؛ این است که ابن سینا، برخلاف سایر آثارش از ریاضیات بحث نمی‌کند و به جای آن، از عرفان سخن به میان می‌آورد. همین نشان‌گر فاصله‌گیری ابن سینا از مکتب عقلی محض مشاء ارسطویی و بهره‌گیری از افکار نو افلاطونی است. این مطلب را می‌توان در نمط دهم، آن‌جا که ابن سینا از حکمت متعالیه سخن می‌گوید، فهمید.

فخر رازی، و کتاب اشارات و تنبیهات

فخر رازی ابن سینا را بهترین فیلسوف مکتب مشاء معرفی می‌کند.^۱ همین اعتقاد برای یک متكلم اشعری کافی است تا برای فلسفی کردن کلام اشعری به آثار ابن سینا به ویژه اثر برجسته او یعنی اشارات و تنبیهات، روی بیاورد. فخر رازی به عمق علمی اشارات و تنبیهات، برده به همین دلیل یک‌بار آن را شرح می‌کند و در شرح خود دو هیچ مسأله‌ای از ابن سینا را تیراند. سهمگین اشکال‌هایش بی‌نصیب نمی‌گذارد و دیگر بار به تلخیص و تهذیب آن بحث سران لباب الاشارات و التنبیهات، همت می‌گمارد که اگر کسی توان مطالعه شرح اشارات و تنبیهات او را نداشت، کتاب لباب الاشارات و التنبیهات را مطالعه کند.

اشارات و تنبیهات؛ فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی

کتاب اشارات و تنبیهات از همان آغاز تألیف مورد توجه و تالیفات پیروان قرار گرفته و بر آن شرح‌ها و حاشیه‌های بسیار نوشته‌اند. در میان آن‌ها شرح امام فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی در بین اهل علم شهرت بیشتر یافته و تدریس آن در حوزه‌های علمی از قرن‌ها پیش تا به امروز رایج و معمول بوده است. فخر رازی در میان فیلسوفان به آثار و اقوال شیخ‌الرئیس بیش از همه توجه داشته و در تألیفات خود به نقل و توضیح آن‌ها با وارد کردن اعتراض و تشکیک بر آن‌ها پرداخته است. او کتاب عیون الحکمه ابن سینا را هم که مانند اشارات حاوی گزیده‌ای از مسائل منطقی و فلسفی است، شرح کرده است. او در دیباچه شرح خود بر اشارات و تنبیهات عظمت این کتاب را ستوده و در

توصیف آن می‌گوید:

«کتاب اشارات و تنبیهات تألیف شیخ الزئیس اگرچه حجم آن کوچک است اما علم آن بسیار، اسم آن بزرگ، نظم آن پیچیده، فهم آن مشکل، دارای شگفتی‌های بزرگ، منطبق بر کلام صاحبان اندیشه‌های ناب، دربردارنده نکته‌های عجیب و فواید غریبی است که اکثر آثار مبسوط از آن‌ها خالی و در کتاب‌های طولانی چیزی از آن‌ها یافت نمی‌شود. بسیاری از مردمان را دیدم که برای تحقیق معانی آن به سوی آن روی آورده، از اسرار مبانی آن بحث نموده، از غوامض و مشکلات آن جستجو کرده، و در فواید و نکته‌های آن تأمل نموده‌اند، اما بعضی از ایشان را مشاهده کردم که از آن با دست خالی برمی‌گردند، در آنکه به چیزی که مایه روشنی چشم آن‌ها باشد دست یافته باشند. و من که بخش شایسته‌ای از عمر خویش را در تتبع فصوص و فهم نصوص و کشف اسرار و تعمق در ژرفاهای این کتاب صرف کرده‌ام، تصمیم گرفتم تا آن بهره‌هایی که برده‌ام را برای راهنمایی پژوهشگران این مطلب بزرگ و مقصد عالی بیان کنم. پس عنان عنایت را در این شرح به تلخیص و ترتیب و تبویب و تهذیب آن با پرهیز از اطناب ممل و ایجاز مخمل متوجه ساختم.»^۱

قبل از فخر رازی هم ظاهراً کسانی کتاب اشارات را شرح کرده‌اند که از وجود نسخه‌های آن‌ها اطلاعی در دست نیست، و به هم حال می‌توان «شرح امام فخر رازی» را از اولین شرح‌های موجود بر کتاب اشارات به حساب آورد که در آن فاضل شارح جمله‌های موجز و پرمغز اشارات را با عباراتی نسبتاً روشن و روان شرح و تفصیل داده است، و در اکثر موارد هم از عهده تفسیر غوامض و مشکلات آن برآمده و فهم مطالب کتاب را بر خوانندگان آسان کرده است. اما او در این کتاب فقط شارح نیست، و به شرح و توضیح آراء ابن سینا بسنده نکرده است، بلکه در بسیاری از موارد به نقد و نقض مطالب کتاب پرداخته و آن‌ها را با سؤال‌های جدی مواجه ساخته است، به ویژه در مسائل فلسفه اولی و آنجا که قواعد فلسفی با عقاید اشعری او در تعارض بوده، چنان زبان به خرده‌گیری باز کرده و در وارد کردن اشکال و اعتراض لجاجت به خرج داده و راه افراط

را پیموده که جنبه ایراد و تشکیک در شرح او بر جنبه ایضاح و تفسیر سبقت گرفته است. و به قول بعضی از نکته پردازان «شرح» او را به «جرح» تبدیل کرده است. شاید بهترین توصیف درباره کتاب او همان کلامی باشد که خواجه نصیرالدین طوسی در آغاز شرح خود بر اشارات آورده است. او می‌گوید:

«از جمله کسانی که کتاب اشارات را شرح کرده‌اند فاضل علامه فخرالدین ملک مناظرین محمد بن عمر بن حسین خطیب رازی - جزاه الله خیرا - است. او کوشیده است تا شیده‌مای آن را با روشن‌ترین تفسیر آشکار سازد و آمیخته‌های آن را با زیباترین عبارات توضیح دهد. او در تتبع آنچه مقصودش بوده راه تعقیب را طی کرده، و در تفتیش اسرار آن، تقصاء را به نهایت رسانده است. لیکن با این همه، در ردّ بر صاحب این کتاب راه ببالغه را پیموده و در نقض قواعد او پای را از حدّ اعتدال فراتر نهاده است، به طوریکه برش‌های او جز قدح بر ابن‌سینا به بار نیاورده است. از این روی بعضی از ظریفان «شرح» او را «جرح» نام نهاده‌اند با اینکه شارحان را شرط آن است که نسبت به آن چیزی که شرح آن را به عهده گرفته‌اند تا حدّ استطاعت یاری و مساعدت کنند... مگر آنکه به چیزی برخورد کنند که حمل آن بر محملی صحیح ممکن نباشد...»^۱

بعد از فخر رازی چندین شرح دیگر هم بر «اشارات» نوشته شده که مهم‌تر از همه شرح خواجه نصیرالدین طوسی (متوفای ۶۷۲ ه. ق.) است. ایشان در شرح خود به نیکوترین صورت عبارات کوتاه و رمزگونه اشارات را تبیین کرده و بیانی محکم و استدلالی و به طور مفصل و جزء به جزء از ایرادات و تشکیکات فاضل شارح جواب داده است، به گونه‌ای که او را با وجود فاصله و تأخیر زمانی باید از بزرگان شارحان و مدافعان فلسفه ابن‌سینا به حساب آورد. شرح اشارات خواجه مورد توجه حکما و دانشمندان بعد از او قرار گرفته و بر آن شرح و حاشیه نوشته‌اند. شاگرد فاضل و دانشمند او علامه حلّی (متوفای ۷۲۶ ه. ق.) بر شرح او شرح نوشته است. گروهی از حکما از جمله: میر سید شریف جرجانی، ملا جلال دوانی، غیاث‌الدین منصور دشتکی، میرزا

جان باغنوی شیرازی، ملا عبدالرزاق لاهیجی، آقا حسین خوانساری و دیگران بر شرح خواجه حاشیه نوشته‌اند.^۱ برخی دیگر مانند قطب‌الدین محمد رازی (متوفای ۷۶۶ ه. ق.) صاحب محاکمات، بین فخر رازی و خواجه نصیرالدین داوری کرده است که کتاب او هم به طور مستقل و هم در حاشیه شرح خواجه چاپ شده است. خواجه نصیرالدین طوسی در مقدمه شرح خود که آن را حلّ مشکلات الاشارات نامیده است هدف خود از نوشتن این کتاب را پاسخگویی به اعتراضات فخر رازی بیان کرده است.^۲

گزارش از کار فخر رازی در لباب الاشارات والتنبیهات

فخر رازی در مقدمه خود بر این کتاب بیان می‌کند که به دنبال خلاصه کردن اشارات و تنبیهات است و کاری به صحیح و فاسد آن ندارد، مگر این که در برخی موارد مطالبی را بیان کند. اما هنگام لباب الاشارات و التنبیهات به طور دقیق مطالعه شود، خواهیم دید که فخر رازی تنها رپو خلاصه کردن یا روان‌سازی عبارت‌های ابن سینا نبوده، هر چند که این هم بخشی از کار وی در این کتاب است، اما در واقع او مفاهیم و محتوای اشارات و تنبیهات ابن سینا را با سرب و پرده برداشته و خویشتن، البته با تحفظ بر نظم منطقی ابن سینا در ارائه مطالب، به رشته تحریر آورده است. او در بیان مطالب پای‌بند به عین عبارت‌های ابن سینا نیست و به شرح خود بر اشارات و تنبیهات بسیار نظر دارد.

فخر رازی در شرح خود بر اشارات و تنبیهات، در ابتدا و بند عبارت‌های ابن سینا بوده است. از این رو با همان بیان و بنان ابن سینا در شرح مطالب پیش رفته است. اما در لباب الاشارات و التنبیهات، چون قلم از خود فخر رازی است، در هر مطلب استدلال را طبق روش خود تبیین می‌کند. از این رو به چند نمونه اشاره می‌شود و تفصیل آن‌ها در ترجمه و تبیین نمط‌ها خواهد آمد:

۱- در نمط اول، فخر رازی مثال صفحه‌ای که مرکب از اجزاء غیر قابل تجزیه باشد،

۱. رک «آقابزرگ تهرانی»، الذریعه: ج ۶، ص ۱۱۰-۱۱۲.

۲. فخر رازی، شرح الاشارات و التنبیهات، مقدمه نجف‌زاده؛ تهران، انجمن مفاخر فرهنگی، چاپ اول (۱۳۸۴).

را در کتاب مباحث المشرقیه به عنوان برهان ششم در ابطال جزء لایتجزی آورده است.^۱

۲- در نمط دوم، استدلال ابن سینا بر اثبات مزاج را ابطال می‌کند. در این راستا همان اشکال‌هایی که در شرح اشارات و تنبیهات بیان کرده را همین جا می‌آورد.

۳- در نمط سوم، فخر رازی برای اثبات تجرد نفس، از استدلال‌ها و عبارت‌های کتاب النفس و الروح و شرح قواهما بسیار بهره می‌گیرد. او آنگاه که حواس باطنی را تبیین می‌کند، بر خلاف دیدگاه ابن سینا، همه آن‌ها را ابطال می‌کند و در پایان می‌گوید: مُدِرک تمامی این معانی و صور، نفس است.

۴- فخر رازی در نمط چهارم، از استدلال‌های خود در کتاب البراهین در علم کلام و کتاب الاربعین فی اسماء الدین، بهره‌ی فراوانی برده است.

۵- فخر رازی در ابتدای نمط پنجم، طبق مبنای شیخ می‌گوید: علت نیاز به مؤثر امکان است نه حاکم، پس برای اثبات این مدعا، نه دلیل اقامه می‌کند. این ترتیب در کتاب اشارات ابن سینا وجود ندارد، بلکه فخر رازی این نحوه بیان و ترتیب گفتار را از کتاب المطالب العالیه من العلم الاکبر، بلد چهار، مقاله دوازده، فی بیان ان کون العالم ازلیا لا یقتضی استغنائه عن المؤثر، آورده است.

۶- در نمط ششم علاوه بر اشکالات بسیار، قاعده «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» را با استدلال‌های قرآنی رد می‌کند. این جا به تفسیر مفتح الغیب که معروف به تفسیر کبیر است، پناه برده است. فخر رازی از جمله مکملان اشعری است که این قاعده را نمی‌پذیرد. از همین رو در نمط ششم، ترتیب نظام طولی عالم را طبق مبنای ابن سینا نپذیرفته و به شدت این قاعده را رد می‌کند. فخر رازی با تمسک به استدلال‌های عقلی و آیات قرآنی، اثبات می‌کند که همه مخلوقات صادر از جانب خداوند متعال هستند؛ اعم از مخلوقات مادی و مجرد و عالم علوی و سفلی همه به طور مستقیم، مستند به خداوند متعال‌اند. نه این که عالم عنصری از عقل فعال (عقل دهم) صادر شود و بقیه عقول به ترتیب از عقل بالاتر خود و آنچه از خداوند متعال صادر شده فقط عقل اول باشد. فخر رازی معتقد است؛ این سخن بر خلاف نص صریح آیات قرآنی است.

۱. فخر رازی، المباحث المشرقیه فی علم الهیات والطبیعیات، قم: انتشارات بیدار، چاپ دوم (۱۴۱۱)